

جرم تقلب در تهیه آثار علمی*

- حسن پورباقرانی^۱
- محمدجواد حیدریان دولت آبادی^۲
- علیرضا باقری قوام آبادی^۳

چکیده

نقد مبنایی وارده بر قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی مصوب ۱۳۹۶، آن است که تمرکز آن بر مقابله با تهیه کنندگان آثار علمی است و رفتار سفارش دهندگان را جرم‌انگاری نکرده است. با توجه به اینکه در این جرم، دو طرف سفارش دهنده و سفارش گیرنده وجود دارد و چه بسا سفارش دهنده نقش پررنگ‌تری در ارتکاب جرم داشته باشد، این اقدام مقنن که به مقابله با سفارش گیرنده پرداخته، ولی از تصریح به جرم‌انگاری صریح رفتار سفارش دهنده

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۱.

۱. دانشیار حقوق جزا، گروه حقوق دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)
(hpoorbafrani@ase.ui.ac.ir)
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری
(mjhd1377@gmail.com)
۳. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه ارومیه (alirezabagheri73@gmail.com)

غافل شده است، درست نیست. ممکن است تصور شود که رفتار سفارش دهنده می‌تواند در قالب تحریک یا تطمیع به ارتکاب جرم (معاونت) مطرح شود که این تصور هم در غالب موارد صائب نیست؛ زیرا خود سفارش گیرنده از قبل و بدون تحریک سفارش دهنده، خود را آماده پذیرش سفارش مشتریان کرده است. از حیث رکن مادی، جرم مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی، جرمی مطلق است و به صرف تهیه، عرضه یا واگذاری این آثار، به عنوان حرفه یا شغل، جرم محقق شده و نیاز به هیچ گونه نتیجه‌ای از جمله استفاده سفارش دهنده از آن یا کسب امتیاز و... ندارد. در عین حال از حیث رکن روانی برای تحقق آن، وجود سوء نیت خاص قصد انتفاع لازم است. در واقع جرم مطلق است که برای تحقق آن، وجود سوء نیت خاص لازم است.

واژگان کلیدی: سرقت ادبی، آثار علمی تقلبی، تهیه آثار علمی تقلبی، عرضه آثار علمی تقلبی، معاون در تهیه آثار علمی تقلبی.

مقدمه

امروزه همگام با رشد فناوری اطلاعات و همچنین کمیت‌گرایی دانشگاهی و ترکیبی از دیگر عوامل جرم‌شناختی، پدیده تقلب و نداشتن صداقت علمی نیز شیوع بیشتری پیدا کرده و به معضلی برای جوامع دانشگاهی و همچنین مجامع قانون‌گذاری تبدیل شده است؛ تا آنجا که حتی الزام به استفاده از سامانه‌های مشابهت‌یاب نظیر سمیم نور، یا مشابهت‌جو در مقالات فارسی و مانند آن‌ها در مقالات لاتین و همچنین اخذ تعهدنامه اصالت پژوهش در مقالات، نتوانسته است مسئله اخلاق پژوهش را درونی‌سازی کند و کارگروه‌های اخلاق در پژوهش مراکز دانشگاهی را با مشکلات عدیده‌ای مواجه کرده است.

فقدان صداقت علمی، یکی از آسیب‌های جدی نظام‌های آموزشی و پژوهشی است که می‌تواند پایه‌های پژوهش و به تبع آن سایر حوزه‌های اجتماعی را متزلزل کند. رواج مدرک‌گرایی باعث شده است تا ناتوانان از پژوهش و در عین حال عاشقان مدارک و مدارج علمی، افرادی را در جهت تهیه آثار علمی به ویژه پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رساله دکتری و مقالات علمی پژوهشی به کار گیرند. از طرفی نیافتن شغل مناسب

توسط برخی از فارغ‌التحصیلان با استعداد، باعث شده تا این افراد هم در جهت کسب درآمد، به امر نامطلوب تهیه این آثار برای دسته اول تشویق شوند. نیاز این افراد حتی باعث شده تا به تقاضای اشخاص حقوقی نیز که برای تهیه آثار علمی تقلبی ایجاد شده‌اند، پاسخ مثبت دهند. به هر حال با توجه به عدم انگیزه افراد دسته دوم، مطالبی هم که نهایتاً به عنوان اثر علمی عرضه می‌شود، مطالبی نیست که وصف پژوهش را داشته باشد و از سر رفع تکلیف و گرفتن پول است؛ زیرا غرض علمی در میان نیست و بر این اساس صرفاً گردآوری‌هایی بدون رعایت تخصص و بعضاً با سرقت‌های ادبی متعدد در قالب پایان‌نامه، رساله و مقاله عرضه می‌شود. افزون بر این، کسانی که از این آثار تقلبی بهره‌مند می‌شوند، عمدتاً افراد فاقد صلاحیت علمی هستند که نشانه صلاحیت آن‌ها همین اثر علمی تقلبی است! عوارض و اثرات قرار گرفتن افراد فاقد صلاحیت در جایگاهی که حقشان نیست و تصمیم و برنامه‌ریزی آن‌ها برای یک کشور و جمعیت بزرگ، بر هیچ کس پوشیده نیست. بنابراین مقابله با چنین پدیده‌ای لازم است؛ هم از طریق سازوکارهای لازم از جمله پیشگیری وضعی و هم از طریق کیفری. قانون‌گذاران کشورهای مختلف، تدابیر گوناگونی را برای پیشگیری و مقابله با چنین رفتارهایی اندیشیده‌اند که جرم‌انگاری و اِعمال مجازات‌های کیفری، بخشی از این تدابیر است. در حقوق کیفری ایران، مقنن در سال ۱۳۹۶ برای مقابله با این پدیده، قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی را تصویب کرد. البته پیش از آن هم مقنن برای حمایت کیفری از مالکیت معنوی اشخاص، جرم‌انگاری‌هایی را انجام داده بود.^۱ اما فلسفه وضع این قوانین، حمایت از مالکیت معنوی بوده است، در حالی که قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی، بیشتر برای در جهت سالم‌سازی فضای پژوهش و جلوگیری از رواج نگارش رساله، پایان‌نامه و مقالات سفارشی است. تفاوت این دو واضح است؛ از جمله در سرقت ادبی همیشه زیان‌دیده‌ای شخصی و معین

۱. در این خصوص می‌توان به قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸، قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲، قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹، قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت معنوی مصوب ۱۳۸۰ و قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ و نیز قانون مجرای رایانه‌ای به ویژه ماده ۷۴۰ ق.م.ا.ت. (بخش سرقت رایانه‌ای) اشاره کرد.

وجود دارد که شاکی است، ولی در جرم تقلب در تهیه آثار علمی، هر دو طرف سفارش‌دهنده (متقاضی) و سفارش‌پذیرنده راضی هستند. به هر حال نقصی که در قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی وجود دارد، آن است که در این قانون، به مبارزه با عامل اصلی یعنی متقاضی یا سفارش‌دهنده تهیه آثار علمی، کمتر توجه شده و بیشتر به تهیه‌کننده پرداخته شده است. این امر، قانون مذکور را ناکارآمد می‌کند.

نکته پایانی این مقدمه آنکه نگارندگان با عنایت به جدید بودن قانون، به دنبال رویه قضایی در این خصوص بودند که علی‌رغم تفحص از برخی مراجع قضایی و پیگیری از سامانه آرای قوه قضاییه و مراجع دیگر، به رأی که دقیقاً در مورد تقلب علمی صادر شده باشد، دست نیافتند و موارد یافت‌شده صرفاً ناظر بر سرقت ادبی^۱ بود که به جهت عدم ارتباط مستقیم، از ذکر آن‌ها خودداری شد.

در این مقاله به تحلیل انتقادی ارکان قانونی، مادی و روانی این جرم می‌پردازیم.

۱. رکن قانونی جرم تقلب در تهیه آثار علمی

رکن قانونی جرم تهیه، عرضه و یا واگذاری آثار علمی، ماده واحده قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی مصوب ۱۳۹۶ است که مشتمل بر ده تبصره است. به موجب صدر این ماده واحده:

«تهیه، عرضه و یا واگذاری آثاری از قبیل رساله، پایان‌نامه، مقاله، طرح پژوهشی، کتاب، گزارش یا سایر آثار مکتوب و یا ضبط‌شده پژوهشی - علمی یا هنری اعم از الکترونیکی و غیر الکترونیکی توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به قصد انتفاع و به عنوان حرفه یا شغل یا هدف ارائه کل اثر و یا بخشی از آن توسط دیگری به عنوان اثر خود، جرم بوده و مرتکب یا مرتکبان علاوه بر واریز وجوه دریافتی به خزانه دولت، مشمول مجازات به شرح زیر می‌باشند: ۱- ارتکاب جرم توسط شخص حقیقی،

۱. از جمله می‌توان به دادنامه شماره ۸۸۰۹۹۷۰۲۳۰۶۰۰۶۵ مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۲۵ شعبه ۱۰۸۳ دادگاه عمومی کیفری تهران (راجع به شکایت عدم رعایت مالکیت معنوی در تهیه آثار هنری) و دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۰۵۹۸ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۵ شعبه سوم دادگاه عمومی حقوقی شهر ری (راجع به جبران خسارت ناشی از سرقت ادبی) اشاره کرد.

مشمول مجازات جزای نقدی درجه سه و محرومیت از حقوق اجتماعی درجه شش است. ۲- در صورت ارتکاب جرم توسط شخص حقوقی، علاوه بر مجازات مرتکب و مدیران و گردانندگان مربوطه، مجازات شخص حقوقی حسب مورد مطابق مواد ۲۰، ۲۱ و ۲۲ قانون مجازات اسلامی تعیین می‌گردد».

تبصره ۲ این ماده واحده هم به بیان یک کیفیت مشدده پرداخته و گفته است: «در صورتی که ارتکاب جرم موضوع این قانون، از طریق پایگاه الکترونیکی و یا در قالب بنگاه (شامل مؤسسه، شرکت یا هر نوع دیگر) اعم از ثبت شده یا نشده انجام شود و یا برای انجام آن، اقدام به تبلیغ به هر نحو گردد، مرتکب یا مرتکبان به میانگین حداقل و حداکثر مجازات مقرر فوق محکوم می‌شوند».

از دقت در عبارت «تهیه، عرضه و یا واگذاری» در صدر ماده واحد، ملاحظه می‌شود که این متن در واقع فعل سفارش گیرندگان را که به تهیه، عرضه یا واگذاری آثار علمی می‌پردازند، جرم دانسته و وارد جرم‌انگاری فعل سفارش دهندگان در این قانون نشده است. این در حالی است که در جرم مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی، دو طرف سفارش دهنده و سفارش گیرنده وجود دارد و نقش سفارش دهنده در ارتکاب جرم اگر بیشتر از سفارش گیرنده نباشد، کمتر نیست و اتفاقاً این سفارش دهنده است که سود بیشتری از ارتکاب جرم می‌برد. اگر سود سفارش پذیرنده فقط مادی است، ولی سود سفارش گیرنده بعضاً علاوه بر منافع مادی، شامل سودهای معنوی و حتی ارتقای مقام و موقعیت هم هست. بدین ترتیب عدم ورود مقنن به جرم‌انگاری رفتار سفارش دهنده، جای سؤال فراوان دارد. تنها برخورد مقنن در این ماده واحد با سفارش دهندگان، آن بوده است که به موجب تبصره ۶ این ماده واحد، رفتار آنها را تنها در صورت استفاده از اثر، تخلف انتظامی دانسته است.

قانون کیفری وقتی کارآمد است که بتواند به مقابله با ریشه‌های اصلی جرم بپردازد. در اندیشه‌های حقوق کیفری، دست‌های پشت پرده یا مباشران معنوی و محرکان به ارتکاب جرم، دست کمی از مباشران مادی ندارند (زاهدی، ۱۳۵۱: ۵۶). در جرم مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی، ریشه اصلی جرم و محرک واقعی، سفارش دهنده است و اگر سفارش سفارش دهنده نباشد، بساط تهیه کنندگان آثار تقلبی خودبه‌خود جمع می‌شود. با

این وصف، مقنن باید قبل از هر چیز به مقابله با ریشه اصلی و محرک واقعی یعنی سفارش دهنده می‌پرداخت و بعد به سراغ سفارش‌پذیرنده می‌رفت یا حداقل یکسان با هر دو برخورد می‌کرد. در حالی که از دقت در ماده واحده مشخص می‌شود که مقنن تنها به مقابله با سفارش‌گیرنده پرداخته و از مقابله صریح با سفارش‌دهنده در قالب جرم‌انگاری رفتار وی سر باز زده است.

ممکن است استدلال شود که علت عدم اشاره مقنن به رفتار سفارش‌دهندگان آن است که در تبصره ۱ این ماده واحده قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی، معاونت در جرم تهیه آثار علمی تقلبی، جرم‌انگاری شده است و می‌توان فعل سفارش‌دهندگان را از باب معاونت در جرم، مصداقی از موارد بند الف ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، از جمله تحریک، ترغیب و تطمیع دانست. به فرض که چنین استدلالی تمام و درست هم باشد، باز اقدام مقنن در عدم جرم‌انگاری رفتار سفارش‌دهنده به عنوان جرمی مستقل، جای پرسش دارد؛ زیرا مقنن در این مقابله به جای قطع ریشه، به قطع شاخ و برگ پرداخته است. با این حال، دیدگاه مخالف این گروه هم ممکن است وجود داشته باشد؛ به این صورت که معاونت از طریق تحریک یا ترغیب یا تطمیع وقتی محقق است که مباشر، آمادگی قبلی انجام فعل مجرمانه را نداشته باشد و با تحریک یا ترغیب یا تطمیع معاون، مبادرت به این کار نماید، در حالی که در تهیه آثار علمی اساساً خود سفارش‌گیرنده آمادگی قبلی برای این کار دارد و در این راستا احتمالاً تبلیغاتی را هم انجام داده و احیاناً دفتر و مغازه‌ای را هم برای این کار مهیا کرده است. در مقام انتخاب یکی از این دو دیدگاه به نظر می‌رسد که باید حسب آمادگی قبلی یا عدم آمادگی قبلی، قائل به تفکیک شد و فقط در صورت عدم آمادگی قبلی سفارش‌گیرنده، معاونت را محقق دانست؛ زیرا فرد سفارش‌گیرنده تمایلی به ارتکاب جرم نداشته و حتی شاید خیال آن را هم در سر نمی‌پرورانده و تنها در اثر تحریک، ترغیب یا تطمیع سفارش‌دهنده، مبادرت به این کار کرده است. البته در این حالت، وصف کیفری وقتی محقق می‌شود که نزد مباشر آن، حالت شغل و حرفه هم تحقق یابد که در این صورت، رفتار سفارش‌گیرنده مباشرت در ارتکاب جرم و رفتار سفارش‌دهنده یا محرک، معاونت در جرم خواهد بود. در غیر این صورت، یعنی حالتی که فردی با

آمادگی قبلی و ایجاد دفتر و تبلیغات، مبادرت به این کار کرده است که اصولاً هم چنین است، نمی توان رفتار سفارش دهنده را متصف به وصف معاونت کرد. بدین ترتیب این فرضیه که مقنن در تدوین این قانون، بیشتر به دنبال مقابله با معلول یعنی سفارش دهنده بوده و از جرم انگاری رفتار سفارش دهنده خودداری کرده است، تقویت می شود و این در حالی است که تا زمانی که سفارش دهنده ای نباشد، سفارش گیرنده ای هم نخواهد بود و نفع معنوی و مادی بیشتری از این تقلب ممکن است عاید سفارش دهنده شود. بدین سان بهتر بود که مقنن در ادامه قانون فوق، مبادرت به افزودن این جمله هم می کرد که «مقتضای یا سفارش دهنده هم به مجازات مباشر محکوم خواهد شد». نظیر چنین کارهایی را مقنن در برخی از قوانین دیگر، مثل ماده ۱۰ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیر مجاز مصوب ۱۳۹۰ هم انجام داده است.^۱ با تدوین چنین مقرراتی در واقع، مقنن با یک تیر دو نشان زده و به نوعی به مقابله به همه مداخله کنندگان در ارتکاب جرم پرداخته است.

۲. رکن مادی جرم تقلب در تهیه آثار علمی

رکن مادی جرم، همان افکار و مقاصد مرتکب جرم است که جلوه خارجی پیدا کرده و در عالم خارج، خود را نشان می دهد (علی آبادی، ۱۳۷۳: ۵۶/۱؛ محسنی، ۱۳۷۵: ۱۳۰/۲). این رکن شامل اجزایی است که به طور خلاصه مورد اشاره قرار می گیرد:

۱-۲. رفتار مرتکب

رفتار مرتکب در این جرم، عبارت از یکی از رفتارهای «تهیه»، «عرضه» و یا «واگذاری» آثار مکتوب و یا ضبط شده علمی یا هنری می باشد، که با تحقق هر یک از آنها، جرم مذکور محقق خواهد شد. هر کدام از این سه رفتار، تنها از طریق ارتکاب فعل مثبت قابل تحقق است و تحقق این جرم با ترک فعل قابل تصور نیست. از دقت در

۱. طبق این ماده: «هر کس مبادرت به تغییر در کالیبر، لوله و آلات متحرک هر نوع سلاح نماید یا شماره یا نشانه (آرم) سلاح را جعل نماید، به جزای نقدی از بیست میلیون تا هشتاد میلیون ریال محکوم می شود. چنانچه تغییر یا جعل به درخواست مالک اسلحه یا متصرف آن صورت گیرد، مقتضای نیز به مجازات مباشر محکوم می شود».

این مطالب، تفاوت این جرم با سرقت ادبی هم مشخص می‌شود. در سرقت ادبی، مجرم اثر معنوی دیگران را به نام خود یا دیگری منتشر می‌کند؛ زیرا سرقت ادبی عبارت است از نسبت دادن عمدی تمام یا بخشی از مطالب دیگران به خود یا غیر، ولو به صورت ترجمه؛^۱ در حالی که در جرم تهیه، عرضه یا واگذاری آثار تقلبی علمی، مرتکب جرم، بدون سرقت ادبی مطالب دیگران، واقعاً از توان علمی خود استفاده کرده و پایان‌نامه یا رساله یا مقاله علمی پژوهشی را برای سفارش‌دهنده تهیه می‌کند و فرق بین این دو آشکار است. بدین ترتیب وقتی تهیه یک پایان‌نامه انجام می‌پذیرد که مرتکب با سفارش‌پذیری از دیگری و با توجه به توانایی علمی خود، مبادرت به تهیه پایان‌نامه برای او کند. بدیهی است که این پایان‌نامه تهیه شده، ممکن است کاملاً اثر فکری نویسنده تهیه‌کننده باشد یا گردآوری آثار دیگران (بدون سرقت ادبی) باشد و گاهی هم ممکن است تهیه‌کننده، آن را از طریق سرقت ادبی تهیه کرده باشد. در حالت اخیر، رفتار تهیه‌کننده مشمول تعدد جرم است؛ هم جرم تقلب در تهیه آثار علمی و هم جرم سرقت ادبی. بدین ترتیب این فرضیه هم که پیش از تصویب قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی، رفتار موضوع این قانون از مصادیق سرقت ادبی نبود، تقویت می‌شود.

۲-۲. ویژگی رفتار مرتکب

نکته مهمی که در خصوص رفتار مرتکب وجود دارد، اینکه بنا به تصریح صدر ماده واحده، رفتار مرتکب یعنی تهیه یا عرضه یا واگذاری باید به عنوان «حرفه یا شغل»

۱. طبق ماده ۲۳ قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸: «هر کس تمام یا قسمتی از اثر دیگری را که مورد حمایت این قانون است، به نام خود یا به نام پدیدآورنده بدون اجازه او و یا عالماً عامداً به نام شخص دیگری غیر از پدیدآورنده، نشر یا پخش و عرضه کند، به حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد». اگر سرقت ادبی از طریق مطبوعات هم باشد، به موجب تبصره‌های ۱ و ۲ ماده ۶ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ اصلاحی ۱۳۷۹، از حقوق مالک معنوی حمایت می‌گردد. طبق تبصره ۱ این ماده: «سرقت ادبی عبارت است از نسبت دادن عمدی تمام یا بخش قابل توجهی از آثار و نوشته‌های دیگران به خود یا غیر ولو به صورت ترجمه». در تبصره ۲ این ماده هم در مقام مجازات سارق ادبی موضوع این قانون گفته شده است: «متخلف از موارد مندرج در این ماده، مستوجب مجازات‌های مقرر در ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی خواهد بود و در صورت اصرار، مستوجب تشدید مجازات و لغو پروانه می‌باشد».

صورت گیرد و به عبارت دیگر، نوعی جرم به عادت یا عادت‌تی تحقق یابد و این هم یکی از تفاوت‌های این جرم با سرقت ادبی است. سرقت ادبی به صرف نسبت دادن عمدی تمام یا قسمتی از آثار دیگران به خود یا غیر تحقق می‌یابد و نیازی به حرفه یا شغل قرار گرفتن یا حتی تکرار عمل ندارد. در حالی که در جرم تهیه آثار علمی تقلبی لازم است که رفتار مرتکب، این خصوصیت «به عنوان حرفه یا شغل» را داشته باشد. اما منظور از حرفه یا شغل چیست؟ صرف نظر از قوانین و مقررات استخدامی که به تعریف شغل پرداخته‌اند،^۱ سؤال مشخص این است که ضابطه و معیار تشخیص اینکه فرد، به عنوان حرفه یا شغل به ارتکاب رفتار مجرمانه خاصی مبادرت کرده، چیست؟

تنها قانونی که درباره مفهوم شغل وجود دارد، ماده ۷ قانون استخدام کشوری است. این ماده تنها آن دسته از مجموع وظایف و مسئولیت‌هایی را به عنوان شغل پذیرفته است که از طرف سازمان امور اداری و استخدامی کشور به عنوان کار واحد شناخته شده باشد. ناگفته پیداست که این تعریف از شغل، با مفهوم عرفی شغل منطبق نیست و تنها در رابطه با امور استخدامی و مطابق با قوانین مرتبط با حقوق عمومی کارکرد دارد و در حیطه حقوق کیفری، قانون‌گذار واژه شغل را در معنای عرفی آن به کار برده است. مؤید این ادعا، قسمت اخیر ماده ۶۶۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ (تعزیرات) است که قانون‌گذار مداخله در اموال مسروقه را به عنوان شغل، باعث تشدید مجازات دانسته است. همین امر در مورد ماده واحده نیز ممکن است؛ چرا که تصدی شغل تهیه متقلبانه آثار علمی و هنری نیز همانند مداخله در اموال مسروقه، مطابق با تعریف ماده ۷ قانون استخدامی کشور، از مصادیق «شغل» مدنظر ماده نبوده و با توجه به نامشروع بودن آن‌ها در عین حالی که عرفاً به عنوان شغل شناخته می‌شوند، ولیکن از طرف سازمان امور اداری و استخدامی کشور به عنوان کار واحد شناخته نمی‌شوند. در نتیجه برای تعیین مصادیق و تحدید مفهوم شغل در قوانین کیفری باید مفهوم عرفی شغل و حرفه را مدنظر قرار داد. در نگاه عرف، حرفه به موضوع کاربردی و کارشناسی یک خدمت یا شغل اطلاق می‌شود که پیرامون آن، امکان آموزش تخصصی و ایجاد کسب

۱. ماده ۷ قانون استخدامی کشور.

و کار وجود دارد. انسان به واسطه توانایی یادگیری و اراده آزادی که دارد، در زمینه فعالیت‌هایی که ارزش اقتصادی دارند، می‌تواند آموزش ببیند و به عنوان شغل یا حرفه به آن‌ها بپردازد. نتیجه اینکه مجموعه مسئولیت‌ها و وظایف یک شغل قانونی بوده و برای شغل بودن مجموعه‌ای از اقدامات که دارای نوعی استمرار بوده و فرد از طریق مبادرت به آن‌ها ارتزاق می‌کند، نیازی نیست که این فعالیت‌ها از طرف سازمان اداری و استخدامی کشور به عنوان کار واحد شناخته شود.

حال که مشخص شد شغل یا حرفه قرار دادن مدّ نظر قانون‌گذار در ماده واحده، مفهوم عرفی دارد، باید به این پرسش نخستین پاسخ داد که معیارهای عرفی شغل یا حرفه خود قرار دادن چیست؟ نخستین پاسخی که به ذهن می‌رسد، این است که حرفه قرار دادن یک عمل، مستلزم انجام مکرر و به دفعات آن است (آقایی جنت‌مکان، ۱۳۹۳: ۳۳۹/۱-۳۴۰؛ زراعت، ۱۳۸۸: ۹۹) تا حدی که عرفاً عنوان حرفه قرار دادن بر عمل صدق کند. از سوی دیگر، این اعتقاد هم وجود دارد که تکرار عمل مجرمانه، تنها یک قرینه است که می‌توان بر اساس آن، این موضوع را ثابت کرد؛ اما در مواردی هم که شخصی برای مرتبه اول مرتکب جرم تهیه متقلبانه آثار علمی می‌شود، اگر با قرائن دیگری بتوان ثابت کرد که وی شغل خود را تهیه متقلبانه آثار علمی و هنری قرار داده است، می‌توان او را بر اساس ماده واحده محکوم کرد. با توجه به لزوم تفسیر مضیق قوانین کیفری و اینکه قدر متیقن از تحقق عادت یا شغل یا حرفه، تکرار عمل است و عدم آن، یعنی تحقق با یک بار عمل ولی به قصد شغل، محل ابهام است، نظریه اول منطبق با اصول و قواعد تفسیر قوانین کیفری است و نظریه دوم نوعی تفسیر موسع است. به هر حال، انجام یک رفتار حتی با قصد شغل قرار دادن، باعث تحقق جرم نیست. همچنین در مورد کسی که چند بار به طور اتفاقی اقدام به تهیه متقلبانه آثار علمی و هنری برای عرضه به دوستان خود می‌نماید، صرف تکرار این عمل را نمی‌توان دلیل آن دانست که او لزوماً تهیه متقلبانه آثار علمی و هنری را به عنوان شغل یا حرفه منحصر یا غیر منحصر خود قرار داده است؛ به خصوص که قید دیگری هم در ماده مبنی بر «قصد انتفاع» وجود دارد که بنا به فرض، در حالت اخیر نیست. البته با فرض قصد انتفاع، مانعی برای تحقق جرم نیست.

البته دیدگاه دقیق‌تر آن است که از یک‌سو هر تکراری لزوماً به معنای حرفه قرار دادن تهیه متقالبانه آثار علمی یا هنری نیست و از طرف دیگر، صرف قصد شخص دایر بر حرفه قرار دادن نیز نمی‌تواند موجب تحقق جرم شود. این مطلب به معنای آن است که هر دو ضابطه عینی (تکرار) و ذهنی (قصد) باید توأمان ملاک قرار گیرند تا برای تشخیص موضوع، قابل قبول‌تر جلوه کنند (حسینی و اعتمادی، ۱۳۹۳: ۹۹).

۲-۳. مرتکب جرم

تحقق این جرم از جانب هر شخص حقیقی یا حقوقی ممکن است و سمت خاصی در مرتکب، شرط نیست. با این حال، «تهیه» این آثار از عهده هر کسی بر نمی‌آید و حداقلی از توان علمی را لازم دارد. پرسش دیگر آن است که آیا اشخاص حقیقی فقط قادر به ارتکاب این جرم‌اند یا اشخاص حقوقی نیز می‌توانند که مرتکب آن شوند؟ به عبارت دیگر، آیا شخص حقوقی نیز می‌تواند تهیه متقالبانه آثار علمی و هنری را به‌عنوان شغل یا حرفه برگزیند؟ شخص حقوقی عبارت از یک اراده جمعی از اشخاص حقیقی است که می‌تواند در قالب هیئت مدیره شرکت به ارتکاب این جرم تعلق گیرد و بدین ترتیب اشخاص حقوقی نیز قادر به ارتکاب این جرم هستند. مقنن نیز در بند ۲ این ماده واحده به این مطلب توجه داشته و با این فرض که شخص حقوقی ممکن است مرتکب جرم شود، برای او مجازات تعیین کرده است. در عین حال برای مسئولیت کیفری شخص حقوقی، وجود شرایط مقرر در ماده ۱۴۳ ق.ا.م. ۱۳۹۲ لازم است. بر این پایه مانند هر جرمی دیگر، شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی، به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرم مذکور شود (پوربافرانی، ۱۳۹۷: ۱۲)؛ برای مثال، اشخاصی حقیقی دور هم جمع شوند و به قصد انتفاع، مبادرت به تشکیل شخص حقوقی با موضوع تهیه آثار علمی مانند رساله، پایان‌نامه و مقاله به متقاضیان نمایند. بدیهی است که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، مانع مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی مرتکب جرم هم نیست و این امری بدیهی است که

۱. در مسئولیت کیفری، اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن، مرتکب جرمی شود. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.

علاوه بر تصریح به آن در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی، در بند ۲ ماده واحده نیز در قالب عبارت «علاوه بر مجازات مرتکب و مدیران و گردانندگان مربوطه» مورد اشاره قرار گرفته است.

۲-۴. موضوع جرم

موضوع جرم آن چیزی است که جرم روی آن واقع می‌شود یا به عبارت دیگر، آن ارزشی است که مقنن با جرم دانستن رفتار از آن حمایت کیفری می‌کند (همو، ۱۳۹۶: ۵۸). آنچه در این جرم خاص، جرم روی آن واقع می‌شود، عبارت است از: «آثاری از قبیل رساله، پایان‌نامه، مقاله، طرح پژوهشی، کتاب، گزارش یا سایر آثار مکتوب و یا ضبط‌شده پژوهشی - علمی و یا هنری اعم از الکترونیکی و غیر الکترونیکی». مصادیق ذکر شده، تمثیلی است و شامل سایر آثار مکتوب و یا ضبط‌شده پژوهشی - علمی و هنری هم می‌شود. همان‌طور که متن ماده واحده تصریح دارد، علاوه بر آثار مکتوب، آثار ضبط‌شده نیز ممکن است موضوع جرم تقلب در تهیه آثار علمی و هنری باشد. بنابراین تهیه، عرضه و یا واگذاری یک نرم‌افزار رایانه‌ای نیز ممکن است در صورت حصول سایر شرایط، رکن مادی جرم تقلب در تهیه آثار علمی را تشکیل دهد.

آثار مکتوب و یا ضبط‌شده موضوع این جرم باید حداقل یکی از دو وصف پژوهشی - علمی و یا هنری بودن را دارا باشند. نوشته‌های علمی یا ادبیات علمی^۱ شامل نشریات علمی هستند که گزارش اصلی کار نظری و تجربی در علوم طبیعی و اجتماعی و در یک زمینه علمی است. تحقیقات علمی پژوهشی منتشر شده برای اولین بار در مجلات علمی، «ادبیات اولیه» نامیده می‌شود که ثبت اختراعات و گزارش‌های فنی، نتایج تحقیقات جزئی و کار مهندسی و طراحی (از جمله نرم‌افزارهای رایانه‌ای) نیز می‌تواند «ادبیات اولیه» در نظر گرفته شود. «منابع ثانویه» شامل مقالات مروری (خلاصه یافته‌های مطالعات منتشر شده به برجسته کردن پیشرفت و خطوط جدیدی از پژوهش) و کتاب (برای پروژه‌های بزرگ یا استدلال‌های گسترده، از جمله تألیف مقالات) است. «منابع سوم» ممکن است دانشنامه‌ها و آثار مشابه در نظر گرفته شده برای مصرف

1. Scientific literature.

عمومی گسترده باشد.^۱

به طور کلی در مورد آثاری که موضوع این جرم قرار می‌گیرند، باید گفت که علمی بودن اثر منوط به این نیست که توسط مرجعی رسمی مثل وزارت علوم به عنوان اثر علمی شناخته شده باشد. بلکه هر اثر مکتوب یا ضبط‌شده‌ای که در قالبی علمی تهیه شود و دربردارنده مطالب علمی برآمده از ذهن نویسنده باشد، ممکن است اثر علمی تلقی شود. این اثر علمی ممکن است پایان‌نامه، رساله، مقاله، طرح تحقیقاتی و به‌طور کلی هر گونه اثر مکتوب یا ضبط‌شده‌ای را در بر گیرد. نکته مهمی که البته باید به آن تصریح کرد، آن است که عرف باید اساساً آن اثر را علمی بداند.

علاوه بر آثار پژوهشی - علمی، آثار هنری نیز موضوع جرم تقلب در تهیه آثار علمی و هنری را تشکیل می‌دهد. به هر حال، دادگاه باید در مورد تحقق جرم تقلب در تهیه آثار هنری، هنری بودن اثری را که تهیه، واگذار و یا عرضه شده است، احراز کند و این احراز کردن، مستلزم آن است که مصادیق آثار هنری از پیش برای دادگاه معین و مشخص شده باشد تا خدشه‌ای به اصل قانونی بودن جرم وارد نیاید. هرچند در میان مکاتب مختلف ایدئولوژیک، تعریفی از هنر و اثر هنری که مورد پذیرش همگان قرار گرفته باشد، یافت نمی‌شود، ولیکن بر روی ماهیت و درک آثار هنری و همچنین تقسیم‌بندی انواع هنر، گفت‌وگوهای بسیاری شده است. در یک تقسیم‌بندی، آثار هنری به دو دسته هنرهای زیبا و هنرهای مفید (کاربردی) تقسیم می‌شوند. منظور از هنرهای زیبا هنرهایی هستند که تنها به دلیل زیبا بودنشان خلق شده‌اند. به عبارتی، «نه برای چیزی، بلکه به خاطر خودشان به وجود آمده‌اند». منظور از هنرهای مفید، هنرهایی هستند که نخست کارکرد و سودمندی آن‌ها اهمیت دارد و هدف از خلقتشان کاربردشان است؛ مانند: طراحی خودرو، معماری و طراحی صنعتی.^۲

فارغ از تقسیم‌بندی‌های گوناگونی که از هنر و متعاقب آن از اثر هنری وجود دارد، آثار هنری به طور کلی واجد سه خصوصیت هستند: نخست اینکه تخیل مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری آن است. دوم اینکه منشأ اثر هنری، عاطفه و احساس درونی

1. <http://en.wikipedia.org/wiki/Scientific_literature>.

2. <<http://abanpix.com>>.

هنرمند است، نه الزاماً تفکر عقلانی وی. سوم چندمعنایی اثر هنری است و اینکه هر کسی می‌تواند برداشت خاص خود را از آن داشته باشد. بدین‌سان، تعیین مصادیق معلوم و مشخص آثار هنری، امری دشوار است.

البته در برخی از قوانین مرتبط با حقوق مالکیت فکری، قانون‌گذار ایران به برخی از مصادیق آثار هنری اشاره کرده است که کامل‌ترین نمونه آن، ماده ۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان است. بندهای دوازده‌گانه این ماده، مواردی از قبیل کتاب، شعر، قطعه موسیقی، عکس، نقشه، اثر معماری، اثر فنی که جنبه ابداع داشته باشد، و هر گونه پیکره (مجسمه) را به عنوان آثار هنری و ادبی مورد حمایت معرفی کرده است. همان‌طور که مورد اشاره قرار گرفت، هرچند آثار علمی دامنه گسترده‌ای از مصادیق مختلف را در بر می‌گیرد و تشخیص آثار هنری از آثار غیر هنری همیشه آسان نیست، لیکن با توجه به اصل قانونی بودن جرم و این نکته که موضوع جرم باید مطابق با تعریف قانونی تعیین شود، شاید بتوان گفت مصادیق آثار هنری که ممکن است به عنوان موضوع جرم تقلب در تهیه آثار هنری و ادبی قرار گیرد، همان آثار هنری مذکور در بندهای دوازده‌گانه ماده ۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان است. لیکن با توجه به متن ماده واحده، تنها آن دسته از آثار علمی و هنری ممکن است موضوع این جرم واقع گردند که مکتوب و یا ضبط‌شده باشند. بنابراین تهیه، عرضه و یا واگذاری آثار هنری مذکور در ماده ۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان که مکتوب و ضبط‌شده نبوده و یا امکان مکتوب یا ضبط شدن را نداشته باشند (مانند مجسمه، نقاشی و نمایش صحنه‌ای)، رکن مادی جرم تقلب در تهیه آثار علمی و هنری را تشکیل نخواهد داد.

۲-۵. سفارش‌دهندگان جرم

این جرم از زمره جرایمی است که حتماً دو طرف دارد؛ یکی سفارش‌دهنده و دیگری سفارش‌پذیرنده، و تا درخواستی از طرف سفارش‌دهنده نباشد، وقوع جرم ممکن نیست. به همین جهت است که یکی از فرضیه‌های مقاله، عدم کارآمدی این ماده واحده به جهت عدم مقابله صحیح با سفارش‌دهنده به عنوان منشأ ارتکاب جرم

است. امروزه با پدیدار شدن نهادهای به نام دانشگاه که مسئولیت تربیت علمی و اخلاقی نسل تحصیل کرده و متخصص را به عهده دارد، دیگر ابعاد نداشتن صداقت علمی به افراد خاصی محدود نمی ماند و در واقع هر نوع چشم پوشی از این عمل، چه بسا نتایج هولناک در پی داشته باشد (بهادری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶۹). لیکن با توجه به اینکه بخش عمده ای از بار تولید علم و ارزیابی آن بر دوش قشر خاصی از جامعه قرار دارد، افرادی چون اعضای هیئت علمی، دانشجویان و طلاب، بیشتر از سایرین در معرض دادن سفارش برای تهیه آثار علمی هستند؛ همچنان که خود نیز ممکن است مرتکب این جرم شوند. این در حالی است که فعالیت پژوهشی - علمی و هنری در بسیاری از موارد، متضمن امتیاز، عنوان و یا منفعتی مالی است که این امر می تواند به انگیزه ای برای ارتکاب این جرم توسط افرادی چون اعضای هیئت علمی دانشگاه ها، دانشجویان و طلاب تبدیل شود. در نتیجه با توجه به همین امر، قانون گذار در تبصره ۶ ماده واحده مذکور، مجازات های انتظامی خاصی را برای اعضای هیئت علمی، دانشجویان، طلاب و کارکنان ادارات دولتی که از این جرم منتفع می شوند، در نظر گرفته است.

۲-۶. نتیجه مجرمانه

جرم در یک تقسیم بندی، به جرم مطلق و جرم مقید تقسیم می شود (صانعی، ۱۳۷۱: ۳۸۵/۱). جرم مقید، جرمی است که تحقق آن منوط به نتیجه خاصی در خارج است؛ اما جرم مطلق با رفتار فیزیکی تحقق می یابد که گاهی با عنوان «جرم صوری» یا «مادی» نیز از آن ها یاد می شود (زرعت، ۱۳۹۲: ۱۵۹/۲). تهیه متقلبانه آثار علمی و هنری از جمله جرایم مطلق به شمار می رود. این دسته از جرایم را از این منظر مطلق (صوری) نامیده اند که وصف مجرمانه صرفاً به صورت یا ظاهر رفتار تعلق گرفته و در ترتب مجازات، اخذ نتیجه زیانبار منظور نشده است. علی رغم ضروری بودن احراز سوء نیت خاص^۱ در مورد این جرم، تحقق آن منوط به وقوع نتیجه خاصی در بیرون نیست. در نتیجه به صرف تهیه، عرضه و یا واگذاری متقلبانه آثار علمی و هنری، رکن مادی لازم برای تحقق جرم تهیه متقلبانه آثار علمی و هنری محقق گشته و هر چند از حیث رکن

۱. منظور، سوء نیت خاص قصد انتفاع است.

روانی، تحقق این جرم منوط به وجود سوءنیت خاص قصد انتفاع است، لیکن از حیث رکن مادی، خواه فرد در عالم واقع از این کار منتفع گردد و خواه منتفع نگردد، تأثیری در تحقق یا عدم تحقق جرم مذکور نخواهد گذاشت. مؤید این ادعا نیز عبارات به کاررفته در صدر ماده واحده قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی است.

۲-۷. هدف جرم

مقنن داشتن هدف خاص از ارتکاب جرم را نیز برای تحقق جرم تقلب در تهیه آثار علمی ضروری می‌داند. در این ماده واحده آمده است که تهیه، عرضه یا واگذاری باید «با هدف ارائه کل اثر و یا بخشی از آن توسط دیگری به عنوان اثر خود» باشد. به نظر می‌رسد که چون این هدف ناظر به جرم است نه مجرم، جزئی از رکن مادی است. در عین حال، نظراتی هم مبنی بر بیانگر سوءنیت خاص یا انگیزه بودن آن ممکن است مطرح شود که در قسمت رکن روانی در این خصوص بیشتر صحبت می‌کنیم. علت ذکر این مطلب آن است که مرز جرم مذکور از فعالیت‌های پژوهشی سالم و انتقال و انتشار آن مشخص گردد. با عدم ذکر این عبارت، بسیاری از فعالیت‌های عادی پژوهشگران مثل دادن اثر علمی خود به دیگران جهت استفاده آن‌ها، وارد قلمرو مجرمانه می‌گردید که با آوردن این عبارت، از این امر به خوبی جلوگیری شده است؛ برای مثال، دانشجوی دوره دکتری از فرد فارغ‌التحصیلی که از رساله خود دفاع کرده، رساله‌اش را جهت مطالعه و استفاده علمی مطالبه می‌کند و فارغ‌التحصیل مذکور هم رساله را جهت استفاده علمی و نه به عنوان ارائه آن به عنوان اثر خود به وی می‌دهد. اگر این عبارت ذکر نمی‌شد، این قبیل فعالیت‌های سالم نیز داخل در مصادیق مجرمانه می‌گردید.

۳. رکن روانی جرم تقلب در تهیه آثار علمی

برای تحقق هر جرمی علاوه بر رفتار مادی، نیاز به رکن روانی هم هست. جرم تقلب در تهیه آثار علمی نیز از این قاعده مستثنا نیست. این جرم از حیث رکن روانی، جرمی عمدی است. جرایم عمدی جرایمی هستند که غیر از اراده، سوءقصد و سوءنیت نیز در واقعیت آن مدخلیت داشته باشد (باهری، ۱۳۴۰: ۲۶۵). در ادامه، اجزای

تشکیل دهنده رکن روانی این جرم بررسی می‌شود.

۱-۳. سوء نیت عام

سوء نیت عام یعنی آنکه مجرم با آگاهی از موضوع جرم، از روی اراده، رفتار نهی شده را انجام دهد. در جرم تقلب در تهیه آثار علمی هم منظور از سوء نیت عام، آن است که مرتکب جرم با علم به موضوع از روی اراده، رفتار مجرمانه تهیه یا عرضه یا واگذاری را انجام دهد. بدیهی است که هم علم به موضوع و هم اراده باید وجود داشته باشد. در مواردی ممکن است علم وجود داشته باشد، ولی اراده نباشد؛ مانند وقتی که دیگری را مجبور به انجام کاری کنند.

۲-۳. سوء نیت خاص

داشتن سوء نیت یعنی اینکه عزم به ارتکاب رفتاری که قانون گذار آن را منع کرده است، همیشه به تنهایی کافی نیست (اردبیلی، ۱۳۹۴: ۲۴۲/۱-۲۴۳). گاه قانون گذار وجود جرم را منوط به داشتن قصد مشخص و صریحی کرده که فاعل برای تحقق آن کوشیده است. برای مثال در جرم قتل، صرف ایذاء و آزار عمدی علیه کفایت نمی‌کند، بلکه فاعل باید در تحصیل نتیجه خلاف قانون یعنی کشتن او نیز عامد باشد تا بتوان فعل ارتكابی را قتل عمد نامید؛ در حالی که در جرم ایراد ضرب و جرح، وجود سوء نیت عام در فعل زدن کافی است و لازم نیست که مرتکب، قصد صدمه زدن داشته باشد تا ضارب شناخته شود؛ آن‌چنان که در جرم کلاهبرداری، مرتکب افزون بر سوء نیت عام در ارتکاب افعال فریبکارانه باید قصد خاص بردن مال غیر را نیز داشته باشد.

در مورد جرم تهیه متقلبانه آثار علمی نیز با ملاحظه عبارت «به قصد انتفاع» در صدر ماده واحده قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی چنین برمی‌آید که قانون گذار تحقق این جرم را منوط به وجود سوء نیت خاص دانسته است. بنابراین هر چند از نظر رکن مادی، این جرم از زمره جرایم مطلق بوده و تحقق آن منوط به وقوع نتیجه خاصی نیست، ولیکن از جهت رکن روانی از زمره جرایمی است که تحقق آن منوط به وجود سوء نیت خاص است. در نتیجه تنها در صورتی می‌توان متهم را مجازات نمود که با قصد خاص انتفاع بردن، مبادرت به تهیه متقلبانه آثار علمی و هنری نماید.

همان طور که اشاره شد، در جرایمی که تحقق آن‌ها از حیث رکن روانی جرم، منوط به وجود سوءنیت خاص می‌باشد، در صورت عدم وجود قصد خاص، جرم مذکور محقق نخواهد شد (نوربها و شیر، ۱۳۹۶: ۱۷۹-۱۸۰)؛ مثلاً فردی که به قصد جلب نظر همسرش، اثری علمی برای او تهیه کند تا وی آن را به عنوان پایان‌نامه خود ارائه دهد، به جهت فقدان قصد انتفاع، جرمی محقق نخواهد شد.

در ادامه ماده علاوه بر «قصد انتفاع»، مقنن اشاره کرده است که تهیه، عرضه یا واگذاری^۱ اثر علمی باید «با هدف ارائه کل اثر و یا بخشی از آن توسط دیگری به عنوان اثر خود» هم باشد تا جرم مذکور محقق شود. سؤالی که مطرح می‌شود آن است که با توجه به عبارت قبلی «قصد انتفاع»، این عبارت هم بیانگر سوءنیت خاص است یا آن را انگیزه تلقی کرده یا حتی جزئی از اجزای رکن مادی محسوب کنیم. قبل از بحث در ماهیت این عبارت، ذکر این نکته لازم است که آنچه اهمیت دارد آن است که تا این هدف محقق نشود، جرم تقلب در تهیه آثار علمی محقق نمی‌شود و از حیث کاربردی چندان تفاوتی نمی‌کند که ماهیت حقوقی آن را جزئی از رکن مادی، یا سوءنیت خاص یا انگیزه بدانیم. اما در مورد ماهیت حقوقی آن، یک دیدگاه می‌تواند آن باشد که اساساً هدف، جزئی از رکن مادی جرم است؛ زیرا ناظر به مرتکب نیست، بلکه ناظر به جرم است. دیدگاه دیگر ممکن است آن باشد که این عبارت نیز بیانگر سوءنیت خاص است و در واقع در این جرم با دو سوءنیت خاص، یکی «قصد انتفاع» و دیگری «هدف ارائه کل اثر و یا بخشی از آن توسط دیگری به عنوان اثر خود» مواجه هستیم که در صورت محقق شدن هر دو، جرم واقع می‌شود. دیدگاه سوم ممکن است آن باشد که این عبارت، بیانگر انگیزه است. توضیح اینکه هرچند انگیزه اصولاً شرط تحقق جرایم نیست، ولی مقنن استثنائاً می‌تواند آن را شرط تحقق جرم بداند و در اینجا هم چنین کرده است. اما از بین این سه نظریه کدام یک درست است؟

با توجه به اینکه به نظر می‌رسد این هدف ناظر به خود جرم است و نه مرتکب آن، باید آن را جزئی از رکن مادی به شمار آورد. در واقع هدف مرتکب جرم از چنین فعل مجرمانه‌ای، همان منتفع شدن است و هدف دیگری را دنبال نمی‌کند. اما هدف جرم که مقنن را وادار به جرم‌انگاری کرده، آن است که اشخاص را از تهیه آثار علمی برای

دیگران باز بدارد. در واقع مقنن با این عبارت‌پردازی خواسته است از طرفی ضمن مبارزه با مشاغل کاذبی که در حوزه فعالیت‌های علمی و هنری به وجود آمده‌اند، مواردی را هم که چنین هدفی در مورد آن‌ها وجود ندارد، خارج از مصادیق جرم بدانند.

۳-۳. انگیزه و هدف

برای ارتکاب جرم تهیه متقلبانه آثار علمی نیز مانند هر جرم دیگر می‌توان انگیزه‌های متعدد و گوناگونی مثل مال‌پرستی، ارضاء حس کنجکاوی، جلب توجه دیگران و... را متصور شد. لیکن در میان انگیزه‌های گوناگونی که برای ارتکاب این جرم متصور است، به موجب تصریح صدر ماده واحده، تهیه آثار علمی و هنری در صورتی جرم بوده و قابل مجازات است که مرتکب با «... هدف ارائه کل اثر و یا بخشی از آن توسط دیگری به عنوان اثر خود...»، مبادرت به ارتکاب رفتار مجرمانه نموده باشد. ارائه کل اثر و یا بخشی از آن توسط دیگری به عنوان اثر خود، به این معناست که مرتکب باید به این قصد که دیگری اثر علمی یا هنری را به عنوان اثر خود ارائه کند، اثر مذکور را تهیه، عرضه یا واگذار کند. صرف آگاهی مرتکب به اینکه دیگری قصد دارد که اثر مذکور را به عنوان اثر خود ارائه دهد نیز برای تحقق هدف مذکور کفایت می‌کند. بنابراین اگر کسی مبلغ قابل توجهی وجه نقد به عنوان اجرت تهیه اثری علمی به مرتکب بپردازد و مرتکب بداند که فرد مذکور قصد دارد آن اثر را به عنوان اثر خود ارائه کند، جرم تهیه متقلبانه آثار علمی و هنری موضوع ماده واحده قانون مقابله و پیشگیری از تقلب در تهیه آثار علمی، در صورت وجود سایر شرایط قانونی محقق است (گلدوزیان، ۱۳۹۶: ۱۸۴).

نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر، بازار تهیه و تدوین آثار علمی پژوهشی مانند پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رساله دکتری و مقاله، بنا به سفارش دیگران و به قصد انتفاع رواج یافته است. مقنن در جهت مقابله با این پدیده، قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی را در تاریخ ۱۳۹۶/۶/۸ تصویب کرد. مقصود اصلی قانون‌گذار از جرم‌انگاری تهیه

مقابلانه آثار علمی و هنری، مبارزه با مشاغل کاذبی بوده که در حوزه فعالیت‌های علمی و هنری به وجود آمده است. بر همین اساس، مقنن تمرکز اصلی خود را بر مقابله با تهیه‌کنندگان یعنی سفارش‌پذیرندگان تهیه آثار علمی تقلبی قرار داده و از جرم‌انگاری صریح رفتار سفارش‌دهندگان خودداری کرده است و این امری است که غرض مقنن مبنی بر مقابله با ریشه جرم را نقض می‌کند؛ زیرا تا سفارش‌دهنده‌ای باشد، جرم موجود است و حداکثر آن است که جرمی که تا قبل از تصویب این قانون، با تبلیغات فراوان و به صورت مشهود واقع می‌شد، در خفا صورت می‌گیرد. ممکن است تصور شود که علت عدم ورود مقنن به مقابله با سفارش‌دهندگان، آن بوده است که رفتار آن‌ها می‌تواند مصداقی از سرقت ادبی باشد که این تصور درست نیست؛ زیرا تهیه‌کننده با طیب خاطر و در مقابل پولی که اخذ می‌کند، آثار علمی تهیه‌شده را در اختیار سفارش‌دهنده قرار می‌دهد. به عبارت دیگر در جرم تقلب در تهیه آثار علمی، هر دو طرف سفارش‌دهنده و پذیرنده، از رضایت لازم برخوردارند؛ در حالی که در سرقت ادبی، یک طرف ناراضی و شاکی است. علاوه بر این، جرم سرقت ادبی از جرایم قابل گذشت است، ولی این جرم با توجه به اهمیت سالم بودن فضای پژوهش و تحقیق که می‌تواند زیربنای قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری در عرصه‌های مختلف اجتماعی باشد، از زمره جرایم غیر قابل گذشت بوده و شروع و ادامه تعقیب آن، نیاز به شکایت شاکی خصوصی ندارد. بدین ترتیب تحقق سرقت ادبی نسبت به رفتار سفارش‌دهنده که می‌تواند دانشجوی کارشناسی ارشد، دکتری، عضو هیئت علمی، کارمند اداری یا طلبه باشد، منتفی است. با این حال، مقنن در برخوردی ضعیف، رفتار سفارش‌پذیرنده را واجد «تخلف انتظامی» که تنها دارای مجازات اداری است، دانسته است.

از لحاظ تحلیل حقوقی نیز جرم تقلب در تهیه آثار علمی، از زمره جرایم مطلق است؛ یعنی از حیث رکن مادی، به صرف انجام رفتار به عنوان حرفه یا شغل، جرم محقق است و نیاز به نتیجه خاصی برای تحقق و کامل شدن رکن مادی ندارد. هرچند از حیث رکن روانی، تحقق این جرم منوط به وجود سوءنیت خاص قصد انتفاع است، لیکن از حیث رکن مادی، خواه فرد در عالم واقع از این کار منتفع گردد و خواه منتفع نگردد، تأثیری در تحقق یا عدم تحقق جرم مذکور نخواهد گذاشت.

کتاب‌شناسی

۱. آقایی جنت‌مکان، حسین، حقوق کیفری عمومی، چاپ چهارم، تهران، جنگل، ۱۳۹۳ ش.
۲. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، چاپ چهل و یکم، تهران، میزان، ۱۳۹۴ ش.
۳. باهری، محمد، حقوق جزای عمومی، تهران، چاپخانه برادران علمی، ۱۳۴۰ ش.
۴. بهادری، محمدکریم، مرتضی ایزدی، و محمدجواد حسین پور فرد، «دستبرد علمی؛ مفاهیم، عوامل و راهکارها»، مجله طب انتظامی، دوره چهاردهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۱ ش.
۵. پورباقرانی، حسن، حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)، چاپ سوم، تهران، جنگل جاودانه، ۱۳۹۶ ش.
۶. همو، حقوق جزای عمومی (مجرم و مسئولیت کیفری)، تهران، جنگل جاودانه، ۱۳۹۷ ش.
۷. حسینی، سیدمحمد، و علی اعتمادی، «مداخله در اموال مسروقه در حقوق کیفری ایران و انگلستان»، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره پنجم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳ ش.
۸. زاهدی، لطیف، تحریک به ارتکاب جرم، تهران، چاپخانه سپهر، ۱۳۵۱ ش.
۹. زراعت، عباس، شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی، تهران، جنگل جاودانه، ۱۳۹۲ ش.
۱۰. صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، چاپ چهارم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۱ ش.
۱۱. علی‌آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، چاپ سوم، تهران، فردوسی، ۱۳۷۳ ش.
۱۲. گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای اختصاصی، چاپ چهارم، تهران، میزان، ۱۳۹۶ ش.
۱۳. محسنی، مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۵ ش.
۱۴. نوربها، رضا و عباس شیری، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، ۱۳۹۶ ش.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی